وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور [illegible] سال چهارم شمارهٔ سوم چهارشنبه ۲۶ حمل ۱۳۸۳ ۲۴ صفرالمظفر ۱۴۲۵ - 14 April 2004

سرمقاله
مبارزه بر ضد مفاسد اخلاقی در جامعه
مسؤولیت دولت و مردم
ص۲

دانستان اسلام در بالکان:
بوسنی وهرزگوین پنج قرن در سایهٔ اسلام
ص۶

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در جمع مردم هرات:

بر شما ملت قهرمان است که از آرمان شهدا پاسداری کنید





شهروندان هرات از استاد به گرمی استقبال کردند

محترم استاد ربانی رهبر جهاد ومقاوت افغانستان به خاطر اتحاف دعا به روح شهید جوان محمدمیرویس صادق وزیر هوانوردی ملکی و یاران او روز سه شنبه۱۸حمل عازم هرات گردید. هنگام ورود وی به شهر هرات هزاران تن از شهروندان هرات بادادن شعارها ونعره های الله اکبر مقدم ایشان را گرامی داشتند.

استاد پس از مصافحه با استقبال کنندگان در حالی که تعدادی زیاد از مردم ایشان را همراهی می کردند به اقامت گاه امیر اسماعیل خان والی هرات رفت وباتلاوت آیاتی از قرآن پاک به روح شهید میرویس صادق و یاران او اتحاف دعا کردند وبرای پدر-وهمه وابستگانش اظهار تسلیت نمودند.

بعد از ظهر سه شنبه استاد باتعدادی از علما، روشنفکران، نمایندگان اقشار مختلف در خانهٔ جهاد ملاقات نمود وپیرامون مسایل اجتماعی ومحیطی با آن ها گفتگو کرد.

روز چهارشنبه۱۶حمل استاد در حالی که امیر اسماعیل خان والی هرات وتعداد زیادی از مسؤولان ملکی ونظامی هرات ومردم آن شهر ایشان را همراهی می کردند وارد ولسوالی کشک رباط گردیدند. هزاران تن از شهروندان بانثار گل وسر دادن شعار از استاد در این ولسوالی استقبال کردند.

در گردهمایی شهروندان کشک رباط استاد سخنرانی نمود و گفت: حادثهٔ المناک شهادت ارجمند میرویس صادق و همراهان او را به خانواده شان وهمه مردم باشهامت ولایت هرات تسلیت می گویم روح شهدای پرافتخاردوران جهاد ومقاومت را که در دفاع از دین شان ودر دفاع از آزادی واستقلال کشور شان رنج هایی را متحمل شدند از خداوند شاد می خواهم.

ص۳

ملاحظاتی بر

قانون رسانه های همگانی

ص۵

این بار کشمکش به سر فاریاب بود!

وقایع چند روز اخیر در شمال کشور یکبار دیگر اذهان را به اوضاع شکنندهٔ امنیتی در افغانستان معطوف نمود. در شرایطی که کشور های دوست در کنفرانس برلین به کمک های بیشتر به افغانستان توافق و ابراز آمادگی نمودند، اخبار رسیده از فاریاب می تواند مایهٔ نگرانی باشد.

در مورد این که جریانات چگونه آغاز شد روایات مختلف است. آقای جلالی وزیر داخله جنرال دوستم را مسؤول این درگیری ها می داند که از امکانات دولتی برای بسط نفوذ خود سود می جوید و جنرال دوستم به نقش منفی اطرافیان آقای کرزی در رابطه به خودش تأکید دارد که وقایع فاریاب زادهٔ آن نقش های منفی است.

مشکل اطرافیان آقای کرزی این است که خود در ولایاتی که به آن منسوب اند فاقد پایگاه مردمی اند و در عین حال می خواهند فرماندهان قدرتمند محلی را که سابقهٔ قدرت شان به سالها قبل از دولت آقای کرزی می رسد خلع قدرت نمایند. راه خلع قدرت در چنین موردی این است تا افراد رده های پائین تر را با تحریک و تطمیع به جانب مخالفت با دولت محلی سوق داده و برای فرماندهان پر قدرت درد سر فراهم سازند.

ص۶

ابوبکر سبزوار

حاجی محمدمحقق وزیر پیشین پلان:

مردم باید در برابر تهاجمات هوشیار باشند

حاجی محمدمحقق یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری افغانستان که به تاریخ۲۵حمل وارد شهر هرات گردید در جمع هزاران نفر از اهالی هرات سخن گفت و خواستار حفظ هوشیاری ویکپارچگی مردم درراه تعیین سرنوشت سیاسی شان شد واز آنها دعوت کرد، همان گونه که طی بیست وسه سال جهاد ومقاومت در صحنه ها حضور چشمگیر داشتند، در عرصهٔ سیاست نیز باید مشارکت فعال داشته باشند. وی ارزش های جهادی ملت افغانستان را جاویدانه خواند وگفت امروز این ارزش ها مورد هدف قرار گرفته وشخصیت های جهادی کشور مورد تهاجم قرار گرفته اند. وی از مردم خواست تا در برابر همچو تهاجمات هوشیاری وبیداری خود را حفظ نمایند.

آقای محقق در پایان این مراسم به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت وهدف از سفرش به هرات را ملاقات و اظهار همدردی بااسماعیل خان والی هرات عنوان کرد وگفت:

ص۷

پنجشیر از ولسوالی به ولایت ارتقا کرد

باصدور فرمان رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، پنجشیر به عنوان ولایت درجه۳ اعلام گردید. در فرمان تذکر رفته است:

به منظور ارجگذاری به خدمات وحماسه آفرینی های قهرمان ملی احمدشاه مسعود شهید که ادارهٔ پنجشیر را در دوران جهاد ومقاومت به صورت مستقل به عهده داشت، بنابر تقاضا های متعدد مردم منطقه از آغاز ادارهٔ مؤقت بدین سو، جهت حل مشکلات اهالی ناشی از بعد مسافه وتأمین امنیت بهتر در مناطق دور دست پنجشیر پیشنهاد شماره(۳۶۹۲) مؤرخ ۱۳۸۲/۵/۲۰ وزارت امور داخله را مطابق مواد (۵-۹) قانون ادارهٔ محلی مبنی برتأسیس ولایت پنجشیر که باداشتن(۳۰۸۶۲۰) نفر نفوس و(۳۶۱۰) کیلومتر مساحت

ص۷

بسم الله بسمل به حیث

وزیر هوانوردی ملکی و توریزم تعیین شد

به اساس پیشنهاد امیر اسماعیل خان والی هرات و منظوری آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان آقای بسم الله بسمل به حیث وزیر هوانوردی ملکی و توریزم افغانستان مقرر شد.

آقای بسم الله بسمل قبل بر این رئیس بر حال معارف ولایت هرات بوده و در راستای ترقی و تعالی معارف آن ولایت گامهایی ارزنده برداشته است. نامبرده در رشتهٔ انجنیری تحصیل کرده و در این رشته دارای مدرک فوق ماستری است.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

مبارزه برضد مفاسد اخلاقی در جامعه مسؤولیت دولت ومردم

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان طی یک فرمان رسمی در روز یکشنبه ۲۲ حمل ماه روان خواهان مبارزه برضد مظاهر فساد اخلاقی در جامعه شد واز نهادهای اجرایی وفرهنگی واجتماعی دولت واز علماء وهمهٔ مردم خواست که باجدیت در این مهم سهم بگیرند.

بافروپاشیدن رژیم جور وستم طالبان وبه وجود آمدن تحول نوین در کشور زندگی سیاسی اجتماعی دچار دگرگونی های بنیادین شد. اما این تحول خالی از عوارض منفی نبوده است. یکی از عارضه های بسیار منفی در این عرصه عدم توجه به ارزش های فرهنگی اخلاقی بوده است که شماری از کسان از سرقصد یا غفلت در ترویج فرهنگ ضداخلاقی و ستیز باارزش های دینی به اسم ورسم گونه گون وبااستفاده از جوکنونی تلاش ورزیده اند. برخی از این افراد بابهره وری از پست های دولتی خویش وکارگزار بودن در مراکز فرهنگ واطلاع رسانی کشور براین روند یاری رسانیده اند.

مظاهر فساد اخلاقی امروز در برخی از شهرهای بزرگ از جمله کابل به پیمانه یی رسیده است که از دید هیچ بینندهٔ عادی هم پنهان نیست واین رشد روز افزون فساد اخلاق موجب نگرانی شدید دردمندان جامعه شده است. شورای علمای افغانستان چندین بار از رئیس دولت خواست تا در زمینهٔ جلوگیری از گسترش این وبای مهلک دست به اقدامات جدی بزند اما نه تنها این استغاثهٔ علماء به جایی نرسید که حکم صریح دادگاه عالی کشور(ستره محکمه) نیز در این باره ناشنیده ماند.

اما معلوم نیست که جناب رئیس دولت از چه روی به صدور این فرمان اقدام ورزیده است. آیا این اقدام یک استراتژی برای سلامت جامعه است یا یک تاکتیک برای ارضای مردم در شرایط کنونی که در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری قرار گرفته ایم؟

هدف ایشان هرچه باشد ما مبارزه برضد مفاسد اخلاقی را از وجایب دولت وملت می دانیم واز آن حمایت می کنیم.

مبارزه برضد مفاسد اخلاقی فریضه یی است که در فرهنگ دینی ما از آن به نام «امر به معروف ونهی از منکر» یاد شده است، مسأله یی که فراخواندن به همه خوبی ها وزیبایی ها وبازداشتن از همه بدی ها وزشتی ها را فرا می گیرد ویکی از عوامل مهم فرستادن پیامبران ورسالت مصلحان تلقی می شود که قرائت جهل آمیز ونفرت انگیز طالبان از این مقولهٔ دینی هرگز از باردلسوزانه ومهر ورزانهٔ آن نمی کاهد.

این درست است که ما به گونهٔ جدا از خانوادهٔ بزرگ جهانی نمی توانیم بزییم ولی در کنار این باهم زیستن وپرداختن به داد وستدهای فرهنگی وتمدنی نباید از ارزش های ارجدار خویش روی برتابیم، ارزش هایی که جهان متمدن امروزین برای بقا واستمرار تمدنش خویشتن را بدان ها نیازمند می بیند.

امروز در جهان مسألهٔ افسار گسیختگی اخلاقی یکی از چالش هایی بزرگ است که فرا راه دولت های آن قرار دارد وذهن واندیشهٔ خرد ورزان دلسوز آن را به خود مشغول کرده است.

دولت افغانستان برپایهٔ ارزش های دینی وفرهنگی مردم، واحکام قانون اساسی ومصالح کشور وتجربهٔ انسانی نباید در برابر موج رو بـ... ـترش مفاسد اخلاقی آرام بماند، وبرای این کار باید دست به اقـ...ـمات جدی وعملی بزند چون اکتفا ورزیدن به صادر کردن فـ...ـامین در این عرصه قناعت مردم را در صداقت دولت فراهم نمی آورد.

پرسش هایی در مورد انتخابات ریاست جمهوری

محمدنسیم فقیری

مادهٔ شصت ویکم قانون اساسی کشور بدون ذکر مدت تصدی ریاست جمهوری، می گوید:

«رئیس جمهور، با کسب اکثریت... انتخاب می گردد.»

درحالی که لازم بود تامدت آن به صورت روشن و واضح تصریح می گردید.

رئیس جمهور؛ با کسب اکثریت... (برای مدت پنج سال) انتخاب می گردد. گرچه از فقرهٔ دوم مادهٔ فوق می توان مدت پنج سال را استنباط نمود:

«وظیفهٔ رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد.»

ولی قید«اول جوزای سال پنجم» باتوجه به تعویق انتخابات ریاست جمهوری، اشکالات قانونی را موجب می گردد، بدین شرح:

۱- فاصلهٔ زمانی اول جوزای۸۳تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در طی سال۸۳ وآغاز به کار کردن رئیس جمهور، نیازمند کسب مشروعیت برای ادامهٔ کار رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان است. گرچه مادهٔ شصت ویکم به او مهلت داده است تازمانی که رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند، اجرای وظیفه نماید.

۲- هرگاه فرض نماییم که انتخابات ریاست جمهوری در پایان سال جاری برگزار گردد ورئیس جمهور منتخب در اول حوت۸۳ آغاز به کار نماید، پس قبل از اول جوزای سال۸۸ که رئیس جمهور جدید به کار آغاز خواهد نمود؛ وظیفهٔ او پایان می یابد وبدین ترتیب مدت چهار سال وسه ماه رئیس جمهور خواهد بود! وهرگاه سال پنجم بعد از انتخابات را پنج سال کامل بعد از انتخابات محاسبه کنیم، پس در اول جوزای سال۸۹ دورهٔ کار او ختم می شود که در نتیجه مدت پنج سال وسه ماه ایفای وظیفه خواهد کرد!

هرگاه در دوره های بعد، انتخابات به موعد مقرر برگزار گردد و رؤسای جمهور در اول جوزا به کار آغاز نمایند، مدت تصدی ریاست آن ها پنج سال تمام خواهد بود ولی در صورت به تعویق افتادن انتخابات- مانند سال جاری- مدت ریاست جمهوری بعضی ها کمتر واز بعضی ها بیشتر از پنج سال خواهد شد. به ویژه در حالت وفات، استعفا وعزل ویاحالت اضطرار وشاید کمیسیون تسوید قانون اساسی، احتمال تعویق انتخابات را در سال جاری ویا سال های بعد در نظر داشته ومدت زمان تصدی ریاست جمهوری را باصراحت قید نکرده است ولی باقید«اول جوزا» به اشکالات قانونی ناشی از آن توجه نداشته وراه حلی را برای آن پیش بینی ننموده است.

انتخابات مجدد

طبق حکم فقرهٔ اخیر مادهٔ ۶۱ «هرگاه یکی از کاندیدان(کاندیداهای) ریاست

فاصلهٔ زمانی اول جوزای ۸۳تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در طی سال ۸۳ وآغاز به کار رئیس جمهور، نیازمند کسب مشروعیت برای ادامهٔ کار رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان است.

جمهوری در جریان دور اول یا دوم رأی گیری ویا بعد از انتخابات وقبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگزار می گردد» ولی باتوجه به مصارف گزاف انتخابات، این ماده اشکالاتی به شرح زیر دارد:

۱- احتمال دارد که به تعداد پنجاه تاصد نفر برای احراز پست ریاست جمهوری نامزدی خویش را اعلام نمایند وهمچنین احتمال دارد که یک نفر از آنان به صورت طبیعی فوت نماید ویا در صورت رقابت جدی وحساس، طرفداران رقبا اقدام به قتل یک کاندیدا نمایند تابهانه یی باشد برای انتخابات مجددا! واحتمال دارد که خدای ناخواسته در هرانتخابات، همچو حوادثی اتفاق بیفتد پس لازم است کمیسیون مستقل انتخابات -که باید به صورت بیطرفانه ومنصفانه عمل نماید- در همچو موارد تصمیم بگیرد وفقط در صورتی که کاندیدای متوفی متعلق به یک حزب یا ائتلاف نیرومند ویا شخصیت معروف ودارای نفوذ زیاد باشد، به برگزاری انتخابات مجدد اقدام نماید ونه باوفات یک کاندیدای ضعیف وغیر معروف!

۲- مادهٔ فوق، برگزاری انتخابات مجدد را حتی در مورد کاندیدایی که به دور دوم راه یافته وقبل از اعلام نتایج وفات کرده است، نیز لازمی دانسته است؛ در حالی که در صورت فوت یک کاندیدا پس از پایان انتخابات وقبل از اعلام نتایج آن باید صبر کرد که نتایج اعلام شود وهرگاه متوفی کمتر از پنجاه در صد آرا را به دست بیاورد، مرگ او تأثیری برانتخابات نداشته وفردی که بیشتر از پنجاه در صد را به دست می آورد، رئیس جمهور منتخب خواهد بود وبه انتخابات مجدد نیازی نخواهد بود.

در فقرهٔ اخیر مادهٔ شصت و دوم آمده است:

«هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد» در حالی که بهتر بود تا دو دورهٔ متوالی ذکر می شد زیرا امکان دارد که مردم یک شخصیت را برای دو دورهٔ متوالی انتخاب نمایند و در دورهٔ سوم شخص دیگری را و در دورهٔ چهارم دوباره همان شخصیت اولی را انتخاب نمایند که بدین صورت هم از ادامه وتسلسل زمامداری یک شخص جلوگیری خواهد شد وهم حق مردم در انتخاب زعیم دلخواه شان، محفوظ خواهد ماند.

دراخیر باید اضافه گردد که طبق حکم مادهٔ شصت وچهارم قانون اساسی کشور، رئیس جمهور صلاحیت تعیین، عزل وقبول استعفای وزرا، لوی سارنوال، رئیس بانک مرکزی ورئیس امنیت ملی ورئیس جمعیت هلال احمر را دارد ولی با این تفاوت که فقط تعیین آنان، مشروط به تأیید ولسی جرگه گردیده است ونه عزل وقبول استعفای آنان!!

دماشومانو قاچاق ورځ په ورځ پراختيا مومي

پامير

د I.W.P.R دخبريال دخبر لـه مخـي پرسږکال دافغانستان راډيو - تلويزيون د ۴۰۰تنو ماشومانو دورکيدو اعلانونه خپاره کړي و چي زياتره ئي ترنن ورځ ونه موندل شول، داخو هغه کسان و چي کورنئي ئي خان راډيو تلويزيون ته رسولي خداي خبر چي اصلي شميره به څومره وي او څومره ميندي به دخپلو نازيينو ماشومانو دورکيدو په غم غمجني شوي وي.

دماشومانو دورکيدو او قاچاق په برخه کي بيلابيل نظريات موجود دي ځيني وائي ماشومان بهرته دشاقه او سختوکارونو دسرته رسولو لـه پاره تښتول کيږي، ځيني بيا وائي چي په دغو کوچنيانو باندي دمخدره موادو قاچاق کيږي او ځيني بيا داسي نظر څرګندوي چي دغه راز کوچنيان دخيرات راټولولو او ان دنورو ناروا او ناجايزو اعمالو دسرته رسولو له پاره تښتول کيږي.

دلته پوښتنه داده چي ولي ددغه راز بي دفاع ماشومانو دتښتولو مخنيوي نه کيږي او ولي زموږ دبچيانو چاپيريال دومره بي امن دي چي هغوي دکوڅي او بازار څخه تښتول کيږي خو غله او جنايتکاران نه نيول کيږي؟

اوس خو زموږ په هيواد کي ملي پوليس هم روزل شوي، دبشر دحقوقو دساتني سازمانونه هم فعال دي خو بياهم دماشومانو قاچاق دوام لري او داسي پيښي هم شوي دي چي زياتره دغه راز ماشومان د دي له پاره هم په دام کي کښيوني چي دبدن غړي لکه بډوډي او سترګي ئي په بهرنيان پلورل کيږي او ژوندئي پاي ته رسول کيږي.

ديونيسيف دسازمان دمعلوماتو له مخي تيرکال له سعودي عربستان څخه ۱۶۴ تنه افغاني کوچنيان هيواد ته بيرته راستانه کړي شول چي زياتره ئي دبغلان ولايت اوسيدونکي وو. دکوچنيانو دورکيدو ستونزه يواځې په کابل کې نه ده بلکې دغه کار دهېواد
ص۷

بر شما ملت قهرمان است که از آرمان شهدا ...

برشما ملت قهرمان است که آرمان مادران داغدیده وپدران زجر کشیدهٔ شهدای ما را پاسدارید. هرچند واقعهٔ اخیر هرات سخت تکان دهنده است اما مجاهد مردان دلیر را نباید همچو حوادث متزلزل بسازد، رسول گرامی اسلام حضرت محمد«ص» در فراق فرزندش ابراهیم اشک از دیدگانش سرازیر می شود. یاران صادق آن حضرت«ص» از وی می پرسند که آیا شما هم در غم فرزندتان اشک می ریزید؟ می فرماید: إن القلب ليحزن وإن العين لتدمع ولانقول إلا ماقال الله: إنا لله وإنا إليه راجعون. بلی مطابق به طبیعت انسانی در غم ابراهیم قلب اندوهگین وچشم اشک ریزاست اما آنچه را که برای ما خدا«ج» گفته تکرار می کنیم که همهٔ ما از خداوند«ج» هستیم وبه سوی خدا«ج» باز می گردیم.

این حدیث حضرت پیغمبر«ص» باید شعار همهٔ ما باشد که می فرماید: «اتقوا فراسة المؤمن فإنه ينظر بنورالله» یعنی مسلمان همه رویدادهای اجتماعی وتحولات سیاسی را باید به نور خدا بررسی کند.

زمانی که انسان بانور الهی قضایا را مشاهده می کند، نور الهی قوی تر است بسیار مسائل تاریک را روشن می سازد.

ماامشاهده کردیم که در دوران جهاد همهٔ مردم اعم از تاجیک، ازبیک، هزاره، همه در یک سنگر قرار داشتند. جبهات جهاد در دوران مقاومت بازهم مظهر همبستگی ملی را تبارز دادند. بعد از پیروزی جهاد در دوران سیاه طالبان وقتی که خواستند علمای دینی ما را بدنام سازند. به نام زبان، به نام نژاد، به نام ملا وغیرملا دست های خارجی نفرت قومی ایجاد کردند که به لطف خداوند«ج» این مرحله هم خاتمه یافت وفعلاً در مرحلهٔ جدید این فتنه روان است باید سخت ملتفت باشیم واجازه ندهیم که کسی را به نام این قوم وآن قوم، به نام نژاد وبه نام ولایت، نابود بسازند وضربه بزنند اکنون دشمنان تلاش دارند که چطور بتوانند به اهداف مجاهدین واسلام ضربه وارد کنند وتفرقه ایجاد نمایند. درمیان جهاد وملت، درمیان مجاهدین وملت، درمیان فرماندهان و ملت وزعمای اصیل این ملت فاصله ایجاد نمایند.

روزپنجشنبه مؤرخ ۲۰حمل استاد ربانی همراه باامیر اسماعیل خان وتعداد زیادی از مردم عازم ولسوالی کرخ گردیدند.

هزاران تن از مردان، زنان



وکودکان این ولسوالی باگرمی وصمیمیت از رهبر جهاد ومقامت استقبال نمودند.

درگردهمایی شهروندان کرخ نخست امیر اسماعیل خان در صحبتی مختصر سپاس وقدردانی اش را از مردم هرات به خاطر اشتراک در مراسم تشییع جنازهٔ شهید میرویس صادق ابراز نمود و پس از آن استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت افغانستان در این گردهمایی سخنانی ایراد نموده وگفت:

برای مسلمانان مرگ وزندگی دو مفهوم خاص دارد برای مسلمان مرگ فنا واز بین رفتن نیست بلکه مرگ برای مسلمان به معنی ادامهٔ حیات جاویدان است ووارد شدن به دور جدیدی از زندگی ابدی وهمیشگی.

هستند کسانی که به ظاهر زنده اند اما در واقعیت مرده هایی هستند که چشم شان حرکت می کند اما روان شان وحقیقت شان مرده است. وهستند کسان دیگری که بامرگ شان زنده می شوند وبه همین مفهوم است که قرآن در مورد شهدا می فرماید:«ولاتقولوا لمن يقتل في سبيل الله »

انسان ها به خاطر دفاع از دین شان، دفاع از آبرو وناموس شان، دفاع از آزادی شان شهید می شوند تاخودشان، اهداف شان وجامعهٔ شان زنده بماند. در کشورما اگر ملت مسلمان افغانستان اگر شما پدران ومادران شهدای عزیز مان در دوران جهاد و در دوران مقاومت آمادهٔ شهادت نمی بودید شکی نیست که افغانستان آزاد ومستقل هرگز نمی داشتیم وکشورما در دام کمونیزم برای همیش سقوط می کرد.

امروز باید ازخود بپرسیم که به سوی کدام صف گام برمی داریم و در کدام جهت روان هستیم.

اگر واقعاً در راه درست گام برداریم مطمئن باشید که به سوی سربلندی، به سوی حاکمیت ملی، به سوی حفظ استقلال وآزادی، به سوی بازسازی واقعی گام برمی داریم.

اگر خدای ناخواسته از راه برگشتیم، منحرف شدیم به طرف نظام های غیر دینی حرکت کردیم گمراه خواهیم شد.

به خاطر رسیدن به کمال معنوی و ومادی باید خیلی دقیق وسنجیده گام برداریم. توطئه های مختلفی در کمین است، توطئه هایی علیه امنیت ملی، علیه هویت دینی ما، علیه تمامی ارزش های اسلامی وجهادی ما روان است.

حادثهٔ ترور ارجمند عزیز برای ما هوشدار می دهد وشهادت این ارجمند مربوط به یک خانواده نیست متوجه تنها هراتی ها نیست بلکه متوجه نظام ماست ومتوجه مردم ماست.

استاد در قسمتی از سخنرانی اش گفت:

گروه هایی هستند که می خواهند کشور را بی ثبات بسازند برخی ها به غلط مسائل را بررسی می کنند،

برخی چنین تصور می کنند که گویا بابعضی حرکت ها به زعم باطل شان باعنوان کردن تفنگ سالار وجنگ سالار به ارزش های جهاد وتاریخ امروز وفردای کشورمان ضربه وارد بسازند

باید همه متوجه باشیم حمایت از دست آوردهای جهاد حمایت از استقلال وهویت ملی کشور است. هرقدر فرزندان جهاد وانقلاب ماوفرماندهان جهاد انقلاب ما حمایت می شوند به همان اندازه امنیت وثبات در کشور ما مستقر می شود واگر کسانی خواسته باشند که باعقب زدن چهره های پرافتخار جهاد وانقلاب، اندیشه های جدیدی را در این کشور ارائه کنند بازهم آنها گول خورده اند.

در شرایط فعلی ما از هر وقت دیگر به وحدت، برادری، همدلی، همبستگی، ثبات وامنیت در کشورضرورت داریم. بازسازی بدون امنیت در کشور نمی آید و بازسازی بدون ثبات سیاسی ناممکن است.



به هرحال فتنه ها زیاد است ولعنت برکسی که فتنه را برپا می کند کسانی که فتنه ونفاق ملی را ایجاد می کنند. اینها عناصری هستند که خدا«ج» به آنها لعنت گفته است.

استاد در مورد وحدت ملی ویکپارچگی ملت گفت:

نفاق وضدیت را کنار بگذاریم وحدت ویکپارچگی را ایجاد بکنیم باید از گذشته های پرافتخار دوران جهاد ومقامت به افتخار یاد کنیم خون شهدای خود را فراموش نکنیم، معلول، معیوب ومجروح انقلاب خود را باید فراموش نکنیم اجازه ندهیم که از این به بعد درمیان مابازحرکت ودشمنی به نام های دیگری ایجاد شود به دین خود تمسک بکنیم وهمه باهم متحدانه حرکت نماییم.

در مطبوعات برخی ها قضاوت های نادرستی می کنند وبرخی ها فکر می کنند تعدادی از فرماندهانی که به خاطر نجات افغانستان مبارزه کردند گویا نظم وثبات را در حکومت های مرکزی نمی خواهند که در حقیقت این تهمت دروغ وبیهوده است که در قبال فرماندهان اصیل جهادی روان است.

استاد ربانی در مورد بازسازی هرات گفت:

امروز بازسازیی که در ولایت هرات جریان دارد این تنها افتخار هراتی ها نیست بلکه افتخار همه افغان هاست. افتخار دولت مرکزی افغانستان است هرقدر بازسازی صورت گیرد به نفع دولت مرکزی است از هرکجا چراغی روشن شود باید همه خوشحال شویم. هرجا که بنایی برای بازسازی افغانستان نوین گذاشته می شود باید از آن حمایت صورت گیرد.

استاد ربانی هنگام اقامت شان در شهرهرات به مزار شهید میرویس صادق رفته وبه مزار آن شهید اکلیل گل گذاشت و از بارگاه ایزد لایزال به او طلب مغفرت نمود.

استاد ربانی هنگام اقامت شان در هرات باتعداد زیادی از علما، روشنفکران فرهنگیان وکارمندان بلند رتبهٔ دولتی ومردم آنجا ملاقات هایی جداگانه انجام داد.

باالآخره روز شنبه مؤرخ۲۱حمل در میدان هوایی هرات امیر اسماعیل خان والی هرات وکارمندان ملکی ونظامی وجمع بزرگی از مردم این ولایت با استاد وداع گفتند.

استاد ساعت۱۲ ظهر هرات را به قصد کابل ترک کردند که بعد از ظهر همان روز مع الخیر وارد کابل شدند.

در میدان هوایی کابل تعدادی از کارمندان دولتی وشهروندان کابل از استاد استقبالی گرم نمودند.

محمداسحاق فایز

صائب، مشعل دار سبک هندی

سبک های شعر فارسی- دری از آغاز عمر شعر فارسی تاکنون چهار گونه بوده است که این سبک ها در مراحل مختلف و ادوار مختلف تکاملی شعر فارسی- دری به وجود آمده، قرن ها عمر کرده وبعداً راه انحطاط وزوال را پیموده وبنا برعوامل زبانی واجتماعی، سبکی جدید ظهور کرده است.

چهار سبک خراسانی، عراقی، هندی وسبک جدید تاحال شناخته شده است که شاعران بزرگی در هریکی از این سبک ها سخن رانده اند وتعدادی هم از پیش کسوتان سبک های خاص بوده اند.

سبک هندی یکی از این سبک هاست وشاعرانی چون میرزاعبدالقادربیدل، صائب تبریزی، امیر خسرو دهلوی، فیض دکنی، کلیم کاشانی وعرفی شیرازی از پیروان سبک هندی می باشند.

سبک هندی پیش از انحطاط وزوال سبک عراقی رایج شد که ویژگی های بارز آن استعمال ترکیبات غریب، کلمات نامأنوس، نکته گویی، ظرافت کاری ها، کاربرد معانی معقد وپیچیده که فهم آن به زودی امکان پذیر نیست، می باشد. علاوه بر این ها که شمردیم، نکته یی دیگر که در سبک هندی به آن پرداخته می شود، مسألهٔ کار برد زبان است که شاعران پیرو سبک هندی تاحد زبان کوچه وبازار به سادگی می گرایند.

به هرصورت باور براین است که شاعران موجود در هندوستان بیشتر در سبک هندی مبالغه وافراط روا داشتند. با آن هم ظرافت ونکته هایی زیبا ورسا در شعر این شاعران چندان است که بلوغ وکمال سبک هندی وتوانایی این شاعران را می نماید.

میرزا محمد علی صائب تبریزی از جمله شاعران نامدار سبک هندی است که روز و روزگاری را در سرزمین هند زیست ودر سایهٔ تأثیرات سبک هندی به سرایش شعر پرداخت. صائب بیشتر غزل سرای است ودر این مقال مختصر به بعضی از نکات وظرافت های غزل صائب که ویژگی های سبک هندی را می نمایاند، اشاره می کنیم.

قرینهٔ زیبای روی گل وروی معشوق وتناسب پیوند آن باشمع تا آنجاست که صائب در سوزش پر پروانه بوی گل را استشمام می کند:

شمع را برسر نمی دانم هوای روی کیست
بوی گل می آید از دود پر پروانه ام

آغاز شعله های آتش سرانجام به پایان می رسد این پایان همان نقطهٔ آغاز است. این ظرافت را صائب چنین بیان می کند:

در نظر واکردنی طی شد بساط زندگی
چون شرر در نقطهٔ آغاز بود انجام ما

حیات انسان مانند شراری می آغازد ومانند آن پایان می یابد چون کودکی ناتوان به دنیا می آییم و در پیری، عاجز تر از کودکان دنیا را ترک می کنیم کودکی وپیری در ضعف، سستی وناتوانی قرینه ییست که صائب همان را وجه مشترک دانسته و در بیت مذکور از آن یاد کرده است.

تعابیر غریب که خواننده به مشکل می تواند به کنه مطلب آن پی ببرد:

زندگی گردید از قد دوتا پا در رکاب
برد از عالم برون این اسب چوگانی مرا
در دبستان تأمل کرده ام روشن سواد
ابجد طفلانه باشد خط پیشانی مرا

ویا:

نتوان آب گرفت از جگر تشنه به تیغ
دل زدلدار به تدبیر جدا نتوان کرد

تعابیر زیبا و دلپسند:

اگر چه خواب یوسف را به بند انداخت در آخر
همان از محنت زندان برون آورد تعبیرش

که علاوه برزیبایی صنعت زیبای تلمیح نیز در آن به کار رفته است. غریب وزیبا وباقرینه های دل پسند:

عبث خورشید تابان می زند سرپنجه باآهم
سرخودمی خورد شمعی که باصرصر کند بازی
سرمژگان خون ریز تو آسایش نمی داند
زشوخی آب این شمشیر باجوهر کند بازی

به پریشانی زلف معشوق دل بستن وخوش بودن در حلقه های آن تا آن حد دلپسند است که صائب حتی با تطاول شانه که ناخن در امواج زلف معشوق می زند حسودی می شود:

تابکی ناخن زنی ای شانه دستت خشک باد
دل به امیدی در آن زلف پریشان بسته ایم

تواضع وفروتنی بزرگان، مقام ومنزلت آنان را کم نمی کند چنانکه اگر شمشیر بران وجوهر داری اگر کج هم باشد، برش وخطر آن را نمی کاهد:

از تواضع کم نگردد رتبهٔ گردان کشان
نیست عیبی گر بود شمشیر جوهر دار کج

بازهم زیبا وغریب:

در دل فولاد وجوهر موی آتش دیده است
تاخیال خونگرمم تیغ را در دل گذشت

وبازهم غریب وزیبا:

این کهن قصر که پشت سرطوفان دیدست
بی قرار از اثر نرگس مستانهٔ اوست

ویا:

موجهٔ من نعل وارون می زند در پیچ وتاب
ورنه آن بحر گران لنگر در آغوش منست.

یک غزل از صائب:

یک دل زناوک مژهٔ او رها نشد
این تیرکج زهیچ شکاری خطا نشد
تسکین نداد گریهٔ ما را شب وصال
از سنگ سرمه آب روان بی صدا نشد
ما را ببوریای گرانجان چه نسبت است
پهلوی خشک ما بزمین آشنا نشد
از آه ما گرفتگی دل نگشت کم

برباد رفت عالم واین ابر وانشد
عاشق کجا وپیروی کاروان عقل
هرگز دلیل براثر نقش پانشد
زاندم که ریخت رنگ شب وزلف او قضا
چون اشک شمع گریهٔ عاشق قضا نشد
از یار دل بدوری ظاهر نگشت دور
هرجا که رفت بوی گل از گل جدا نشد
شکر خدا بچاشنی فقر می رسد
داغست نیشکر که چرا بوریا نشد
آب گهر زگرد یتیمی گرفت رنگ
صائب زگرد غم دل ما بی صفا نشد

پوهاند قویم حمل ۱۳۸۳

تا آن سوی بیکرانه ها

بهار را می بینم
دیگر
هیکل مخوف پرپر کردن را
در خواب نمی بیند
ومی آراید
پیراهن نوروزی دخترکان باغ را
بارنگهای قرمز وبنفش
وزمزمه می کند
در گوش شگوفه ها
مرگ هیولای پژمرده ساختن را
چون مژدگانی جان بخش
وباور دارد
روییدن خنده برلبهای غنچه ها را
که خزان ستم آن را ربوده بود.

●●●

بهار را می بینم
طلوع نوروز خجسته یی را
که اینک
بانبود ابرسیاه تحقیر، نور پاشان است
خندهٔ بخت تاریخ می داند.
بهار که سالیانی
نابودی تبرزمستان بریدن را به دعا نشسته بود
باور کرد طلیعهٔ رستن را
وتبسم تصویر پرنیانی رویای جوانه ها را
که در استوای خط ناپیدایی برده شده بود.

●●●

بهار را می بینم
درحجم نجوای رهایی نو باوگان

امتداد بالیدن سرو را تعبیر می کند
وفریاد شادمانهٔ گهواره ها
از حنجرهٔ للوهای شبانه مادران
که چون پرستوهای مهاجر
لانه های خود را
از ترس هجوم تباهی
غمگینانه
به وداع نشسته بودند،
می شنود.
وصدای آشنای آب در جویبارها را
که روزگاری
دوستی بازمین را از یاد برده بود،
می نیوشد.

●●●

بهار را می بینم
سرنوشت کشتزارهای تشنه را
در کتاب ابرهای ارغند می خواند
ورگبارهای باران را
در میزبانی گند مزارها
سخاوتمند می یابد.

●●●

بهار را می بینم
اینک
به پاسداری نوروز
قامت برافراشته است
وشمشیر آختهٔ نیاکان را
تهمتن وار در دست دارد.

●●●

بهار را می بینم
ترانهٔ پایایی فرهنگ را می شنود
بانوای باربد ونکیسا
از گلوی زمانه ها
از آوای توارث
تا آن سوی بیکرانه ها

ته رانه غلي

استاد عبدالروف بینوا

بیا محشر راغي دګلوته رانه غلي
لاله جام شو دسرو ملوته رانه غلي
ماپه وربیو سترګو ستالارې خارلې
قافله راغله دښکلوته رانه غلي
ستاراتلوته دنرګس سترګي شوې سپینې
کوڅې تاوکړلي سنبلوته رانه غلي
درزلور برېنده ناځي په ساغر کي
مې، مینا په نخیدلو ته رانه غلي
دهوسې شونډي له زبېښه شوي تناکي
ښکلي وخت دښکلولو ته رانه غلي
تاویشتلي هم په تاباندي رغیږي؟
زنکدن شو دویشتلو ته رانه غلي

جوش بهاران

عشرت

بازهنگام طرب جوش بهاران آمد
رستخیز چمن عالم امکان آمد
دوستان مژده که هنگام بهار آمد باز
وقت عیش وطرب وسیرگلستان آمد
باغ را زیب دگر ریخت زدوشیزهٔ شاخ
بوی گل آیینه پرداز گلستان آمد
عطر بیزی به چمن داشت نسیم سحری
گویی همراه صبا ناف غزالان آمد
چوبهاری زوجودش همه عالم خرم
فصل گل آیینهٔ قدرت یزدان آمد
نگهی کو به جهان باگل وسوسن نگرد؟
جلوهٔ حق به نظر تا به چه الوان آمد
چوبهار وچو روان بخش ومسیحا نفسی
ای زیمنش بتن مرده دلان جان آمد
خاصه امسال که در کشور ما فصل ربیع
در پی علم وهنر سلسله جنبان آمد
آتش شوق زکانون جوانان برخاست
ناله از سینهٔ جان پرور دهقان آمد
پسرکاکهٔ آقا شده دپلوم به دست
خلق راپور چرا گمره وناخوان آمد
عشرتا سیر گل وسبزه وگلگشت بهار
روزی آخر شنوی جمله به پایان آمد

ملاحظاتی بر قانون رسانه های همگانی

اعزامی

قانون رسانه های همگانی را در لابه لای صفحات هفته نامۀ کابل مؤرخ۸۳/۱/۱۹ مطالعه کردم، هرچند عطش یک روزنامه نگار برای دریافت یک قانون جامع، کامل ونمونه در عرصۀ مطبوعات باقانون منتشرۀ رسانه ها برآورده نمی گردد، باآن هم به مصداق این گفتۀ بزرگان که:

«قانون ضعیف بهتر است از بی قانونی»، کشور جنگ زدۀ ما که پس از دونیم دهه بحران تقریباً چهار ماه قبل صاحب قانون اساسی شد واکنون به تأسی از آن، روند قانون گرایی به تدریج، در سایر عرصه ها خود را تثبیت می کند. از آن جمله تدوین قانون رسانه های همگانی که به پیروی از مادۀ ۳۴ قانون اساسی به اهتمام وزارت اطلاعات وفرهنگ پس از طی مراحل اداری، نشر ونافذ گردیده، مایۀ خرسندی است.

در ذیل بنده نکات چندی را در رابطه باقانون نافذۀ رسانه های همگانی، بااولیای امور فرهنگ ودست اندرکاران رسانه های گروهی وآزاد درمیان می گذارم تا در صورت تأیید دوستان عرصۀ فرهنگ ودانش، واضعان قانون رسانه ها عطف توجه نمایند وحین تعدیل ونو آوری در قانون مزبور، این نکات را مدنظر داشته باشند. زیرا در نبود پارلمان، واضعان قانون رسانه ها در نقش کمیسیون فرهنگی شورای ملی مسؤولیت قانون گذاری در عرصۀ فرهنگ وهنر را به عهده دارند.

۱- در بعضی از موارد قانون رسانه ها، اغلاط املایی وانشایی به ملاحظه می رسد، اگرچه هفته نامۀ کابل می توانست اغلاط را تصحیح کند، مگر بنابر رعایت مصالح عدم دستبرد در متن قانون، حفظ امانت داری وبالآخره به خاطر تمثیل کم توجهی مدوّنان قانون به وظایف شان، ادارۀ هفته نامه از تصحیح آن ها اجتناب ورزیده است. علاوتاً در ترکیب جملات قانون رسانه ها در بعضی مواد توجه جدی مبذول نشده است، بعضی از این عجله کاری ها ایجاب تقدیم وتأخیر ویا ویرایش را می کند.

۲- بعضی از مواد قانون ویا فقرات آن مبهم بوده، مقصود قانون گذار برای خواننده، درست افاده نمی گردد. به طور مثال:

الف- فقرهٔ۴ مادهٔ۲ وفقرهٔ ۱ مادهٔ۹

ب- تعریف اصطلاح ژورنالیست برای عرصه های گوناگون فعالیت های رسانه های همگانی کافی نبوده، بهتر است قانون گذار به خاطر حفظ حقوق ویا ادای وجایب دست اندرکاران مطبوعات ورسانه ها، از اصطلاحاتی کار بگیرد که عمومیت داشته باشد.

ج- در مفهوم مواد۴ و۳۱تناقض به ملاحظه می رسد.

د- برذکر تیراژ نشریه در مادۀ۱۱ تأکید نگردیده است، درحالی که مقنن در فقرۀ دوم مادۀ۹، نشریۀ دارای تیراژ کمتر از۲۰۰ نسخه را شامل رسانه های جمعی نمی داند.

۳- تداخل وتصادم در مأموریت قانون رسانه ها واساسنامۀ رسانه ها: بدین شرح که در مادۀ اول قانون رسانه ها، کار تنظیم فعالیت رسانه های همگانی در کشور، برعهدۀ قانون رسانه ها گذاشته شده، مگر در مادۀ۳۸ کار تنظیم فعالیت رسانه ها را محول به اساسنامه یی نموده است که هنوز از تدوین ونفاذ آن خبری نیست.

۴- واضعان قانون رسانه ها برای متقاضیان تأسیس رسانه ها وچاپخانه ها، مدیران مسؤول وصاحبان امتیاز داخلی شرایطی را وضع نموده ودر قسمت شرایط متقاضیان خارجی اعم از افراد ویا نمایندگی هایی که ایجاب وضع شرایط سخت تر را می کند، سکوت اختیار نموده اند.

به نظر ما این سکوت نه تنها باعث دست کم گرفتن حقوق اتباع کشور می باشد، بلکه این برخورد دوگانۀ مقنن چراغ سبزی است برای اجانب که هرآنچه بخواهند، در کشورما به نشر وپخش آن بپردازند. از جانب دیگر وضع شرط ارائۀ سند تابعیت کشور، برای فر: ویا دفتر خارجی، حق تأسیس ویا نشر رسانه را در افغانستان نمی دهد، مگر واضع قانون رسانه ها بدون توجه به وضع شرایط قبلی اش برای داخلی ها، در مورد خارجی ها صرف اجازۀ وزارت اطلاعات وفرهنگ را کافی دانسته است.

۵- جزاهایی که در قانون رسانه ها، برای متخلفان در نظر گرفته شده، از یک سو سهل وخفیف بوده وموجب تحریک خلاف کاران برای ارتکاب جرایم رسانه یی می شود واز سوی دیگر جزای جرایم نقدی صرف باتوجه به تخلف نوعیت رسانه تعیین گردیده است، حال آن که در تعیین جزا برمقنن لازم بود تاحالت متخلف که خارجی است ویا داخلي، مجرم متکرر است یا غیر متکرر، جرم خفیف است یا شدید، نیات ومقاصد متخلفان و در نهایت اثرات سؤ جرم برجامعه را در نظر گرفته وبرمبنای آن برای خلاف کاران مؤیده تعیین می کرد. همچنان باید جزا تنها به جریمۀ نقدی که خفیف ترین جزاهاست، مختص نمی شد.

۶- در قانون رسانه های همگانی یکی از شرایط مدیران مسؤول وصاحبان امتیاز، محروم نبودن از حقوق مدنی مطابق حکم محکمۀ باصلاحیت می باشد، در حالی که دوماه قبل شورای عالی ستره محکمه نامه یی را عنوانی وزارت اطلاعات وفرهنگ صادر کرد و از مقامات آن وزارت خواهان توقیف آواز خوانی زنان در تلویزیون گردید، مگر بدون اعتنا به یاد داشت مزبور، آوازخوانی زنان در رسانۀ مذکور ادامه یافت. با درنظر داشت عاقبت این تقاضای ستره محکمه، معلوم نیست که بااحکام دیگر محاکم باصلاحیت چه برخوردی صورت می گیرد؟

۷- قانون رسانه ها در مادۀ نهم، انتشار نشرات را بدون اجازۀ قبلی وزارت اطلاعات وفرهنگ جایز دانسته است. چنین تجویزی به نظر ما چلنجی است در برابر قانون رسانه ها واثرات نامطلوبی که در جامعه به جا می گذارد.

۸- از فحوای مواد۲۶ و۴۲قانون رسانه ها استنباط می گردد که کمیسیون بررسی تخلفات مطبوعات غیر از محکمۀ مطبوعات می باشد، همچنان در مواد مذکور در مورد بررسی قضایای مطبوعاتی در محکمۀ خاص اشاره یی نگردیده بلکه در متن قانون آمده است که در صورت عدم قناعت طرف ویا ایجاب موضوع، جریان به پیشگاه محکمه ویا مرجع عدلی ارجاع می گردد.

به نظر ما بهتر بود، تدوین کنندگان قانون رسانه ها با در نظرداشت منازعات وکشمکش هایی از این دست، میان کمیسیون بررسی تخلفات، محکمه ومرجع عدلی تأمل بیشتر نموده ومشکلات ناشی از این گونه قضایا را که موارد آن کم هم نیست، به طور همه جانبه ارزیابی می کردند وخواهان تشکیل محکمۀ اختصاصی رسانه ها به اشتراک هیأت منصفه برای صدور احکام در مورد جرایم مطبوعاتی ورسانه یی می شدند.

۹- جزء ۵ مادۀ۲۹ در مورد شرایط مدیر مسؤول، برنداشتن ماموریت رسمی دولتی تأکید نموده مگر این که نشریه مربوط به دولت باشد. یعنی اگر نشریه متعلق به دولت باشد، یک نفر می تواند هم مدیر نشریه باشد وهم مامور دولت، ولی اگر نشریه غیر دولتی باشد، مدیر فقط می تواند، مدیر نشریه باشد وبس. در حالی که انصاف حکم می کند که واضعان قانون باید این فقره را برعکس نمایند، یعنی یک نفر مأمور دولت می تواند در اوقات غیر رسمی مدیر یک نشریۀ آزاد باشد، ولی مأمور دولت نمی تواند در عین وقت دو وظیفه را آن هم در یک اداره به عهده بگیرد.

> **جزاهایی که در قانون رسانه ها، برای متخلفان در نظر گرفته شده، از یک سو سهل وخفیف بوده وموجب تحریک خلاف کاران برای ارتکاب جرایم رسانه یی می شود واز سوی دیگر جزای جرایم نقدی صرف باتوجه به تخلف نوعیت رسانه تعیین گردیده است.**

دربارۀ قانون انتخابات

د.سهری

قانون احزاب در کشورما بافرمانی تقنینی نافذ گردید. مناسب بود که نخست باید قانون انتخابات نافذ گردد وپس از آن قانون احزاب رسمیت کسب نماید.

انتخابات در کشورهای جهان به دو انجام می یابد. به عبارۀ دیگر قانون انتخابات بردوسیستم مبتنی دیده می شود. یکی سیستم اکثریتی ودیگر هم نسبی.

در سیستم اکثریت، نامزدهای احزاب از روی اکثریت آرا در حوزه های انتخاباتی مشروعیت می یابند. در سیستم نسبی چوکی احزاب یا نامزدها به تناسب آرای عمومی کسب شده در مجلس تثبیت می گردد. به طور مثال در یک ولایت۱۸۹۵۰۰ نفر مستحق رأی دهی است وپنج ولسوالی آن هر یک به مثابۀ حوزۀ انتخاباتی شناخته شود ودر ولایت ذکر شده سه حزب در مبارزۀ انتخاباتی شامل باشند. پس از رأی شماری نتایج زیر به دست می آید.

۱	نام احزاب	رأی حوزه های انتخابات				
		۱	۲	۳	۴	۵
۲	حزب جبهۀ ملی	۱۵۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۳۵۰۰	۱۲۰۰۰	۵۰۰
۳	حزب وحدت ملی	۱۳۵۰۰	۱۳۵۰۰	۱۳۰۰۰	۱۵۰۰	۱۴۰۰۰
۴	حزب تحریک دموکراسی	۱۱۵۰۰	۱۲۵۰۰	۱۱۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۳۰۰۰

از روی جدول فوق مجموع رأی دهندگان۱۸۹۵۰۰ نفر می باشند. اگر قانون انتخابات را برروی سیستم اکثریت قبول کنیم حزب جبهۀ ملی۳نماینده، حزب وحدت اسلامی یک نماینده وحزب تحریک دموکراسی هم یک نماینده در مجلس ملی خواهند داشت. در حالی که درصد رأی گرفته شده از سوی جبهۀ ملی۳۰٪ واز وحدت اسلامی۳۷٪ واز تحریک دموکراسی۳۵٪ می باشد.

اگر قانون انتخابات نظر به سیستم نسبی وضع شده باشد در آن صورت حزب جبهۀ ملی ۱،۵ وحزب وحدت ملی ۱،۷۰ وحزب تحریک دموکراسی۱،۶۰ مستحق نماینده در مجلس می گردند. از این که قاعدۀ عمومی در سیستم نسبی ایجاب می کند که هرگاه اعشاریه از رقم ۵بالاتر باشد یک به شمار می رود لذا در این صورت حزب جبهۀ ملی یک نمایندۀ حزب وحدت دونماینده وحزب تحریک دموکراسی نیز ۲نماینده به مجلس ملی گسیل می دارند. چنان که از تحلیل ارقام دیده می شود از نگاه عدالت وتجلی ارادۀ مردم از این رأی دهی نتایج غیرمنصفانه به مشاهده می رسد.بناءً برای تأمین عدالت وسیستم اکثریت شایان ترجیح پنداشته می شود. واین مسأله که در کشور ما کدام یکی از این سیستم های انتخابات از سوی کمیسیون موظف تدوین می گردد وابسته به خود کمیسیون موصوف می باشد. وبرکمیسیون مسودۀ قانون انتخابات است تاقبل از توشیح وتنفیذ قانون از سوی رئیس صاحب جمهور مسودۀ قانون را باافکار عامه از راه رسانه های جمعی برساند ومردم بدانند که در تجلی ارادۀ شان کدام یکی از این سیستم بهتر می باشد.

از کمیسیون قانون انتخابات خواهش می شود که در این زمینه مانند کمیسیون های تدوین وتدقیق مسودۀ قانون اساسی موضوع را به صورت غیر منتظره به رخ افکار عامه نکشد. مردم حق آن را دارند که بدانند در رأی دهی شان کدام سیستم بهتر و عملی تر می باشد.

داستان اسلام در بالکان

بوسنی وهرزگوین پنج قرن در سایهٔ اسلام

ترجمه وتحقیق: سیدناصر تقدسی

در مورد بوسنی وهرزگوین بسیار شنیدیم و خواندیم ومشاهده کردیم. این نام که مظلومیت مسلمانان وبیداد وحشیانهٔ صرب ها را در اذهان تداعی می کند، شاید برای هیچ کسی در دنیا ناآشنا نیست، به ویژه زمانی که این خطهٔ باستانی ومرد خیز در دهه های اخیر قرن گذشته، دستخوش تجاوز ومظالم بی رحمانهٔ صرب ها وکروات ها شده بود، وآنان ددمنشانه به کشتار جمعی وتصفیهٔ نژادی مسلمانان دست می یازیدند، نام این سرزمین زیبا در سرخط اخبار وگزارش های خبری قرار داشت.

مردمان این منطقه بارنج هایی فراوان وقربانی هایی بی نظیر که در راه آزادی و دفاع از باورهای دینی خود متحمل شدند، باری دیگر برای زورگویان وغاصبان درسی عبرت دادند وبه خون سرخ خود حدود جغرافیایی کشورشان را در نقشهٔ سیاسی وطبیعی دنیای اسلام شامل نمودند. ما در این بحث به معرفی این سرزمین وچگونگی ورود اسلام، وسیرتاریخی این دین در آن منطقه خواهیم پرداخت.

فتح بالکان در روزگار عثمانیان

«بالکان» نامی است آشنا که برشبه جزیرهٔ بزرگ جنوب شرق اروپا اطلاق می گردد، این منطقه شش دولت؛ آلبانی،یونان، رومانی، بلغاریه، قسمتی از ترکیه ویوگسلاوی را در برمی گیرد، در حال حاضر یوگسلاوی به شش بخش تقسیم شده است که عبارت است از: بوسنی وهرزگوین، کرواتی، صربستان وسیاه کوه، سلووانیا، مقدونیه وکوسووا.

واصطلاح«بالکنه» برسلسله جنگهایی گفته می شود که خطهٔ بالکان در درازنای تاریخ خود شاهد بوده است. پیش ازپایان سدهٔ اول هجری در روزگار معاویه بن ابوسفیان به سال۳۴هـ سپاهیان فاتح اسلام به دروازه های اروپا رسیدند وشهر قسطنطنیه را به محاصره کشیدند، واز همان تاریخ به بعد تلاش هایی پیگیر وخستگی ناپذیر به منظور فتح این سرزمین به راه افتاد وسرانجام در سال ۱۳۵۳ میلادی به دست سلطان محمدفاتح، فتح شد.

هرچند لشکریان اسلام، در فاصله یی به درازای تقریباً بیشتر از شش قرن پیش از فتح رسمی بالکان به سال۹۲هـ به سرکردگی«طارق بن زیاد» از طریق غرب اروپا، وارد اندلس گردیدند. ولی به باور مؤرخان قضیهٔ وجود دیانت وعقیدهٔ اسلامی در اروپای شرقی به قرن سوم هجری برمی گردد، طوری که گفته اند گروهی از مسلمانان با اروپاییان داد وستد بازرگانی داشتند، واینان پس از استقرار در دوطرف نهر«الفولجا» باخلیفهٔ عباسی «المقتدر» در بغداد روابط برقرار کردند واز او خواستند تا به میان آنها کسانی را بفرستند که امور دین را برای شان بفهمانند، خلیفه جماعتی از مسلمانان را به ریاست«ابن فضلان» به این منظور به آنجا فرستاد وبامشرف شدن قبائل تارها وذهبی ها به اسلام که بااروپایی ها سرجنگ داشتند ومناطق شمال دریای سیاه وقسمت های پایانی نهر«الفولجا» در کنترل شان بود، کار دین اسلام رونق گرفت وگسترش یافت. وبعدها در یک رویداد غیرمترقبه مسلمانان«فولجا» دست به مهاجرت زدند و در دیار بالکان پراگنده شدند، ولی تأثیر گذاری آنان بربومی ها وساکنان اصلی این سرزمین چندان چشمگیر نبود.

وسرانجام درسال۱۴۵۳م فتوحات دولت عثمانی در قارهٔ اروپا آغاز شد، وقسطنطنیه به دست مسلمانان افتاد وهمزمان با این رخداد بزرگ، اسلام به گونه یی گسترده وارد شرق اروپا شد وملت هایی زیاد به اسلام گراییدند.

سپاه عثمانی از تنگی نیل عبور کرد ومنطقهٔ شمال شرقی یونان را به تصرف خود در آورد صربی ها وبلغاری ها برای بازپس گیری مناطق از دست رفته تلاش هایی فراوان نمودند، اما در برابر سلطان بایزید عثمانی که به«صاعقه» شهرت یافته بود یارای مقاومت نیافتند وبه سال۱۳۸۹م در جنگ کوسوو طعم تلخ شکست را چشیدند. سلطان مذکور پیشروی اش را به منظور تصرف صربستان وبلغاریا ادامه داد ودر سال۱۳۹۱م این دو شهر را تحت کنترل گرفت، از آن پس پیشروی های پیروزمندانهٔ عثمانی ها، به دلیل یورش وحشیانهٔ تیمورلنگ برمنطقهٔ اناضول، مدتی متوقف شد.

ولیکن عثمانی ها باری دیگر به اعادهٔ نیرو وصف آرایی پرداختند وبه خاطر توسعهٔ قلمرو خود، سراز نو به مصاف اروپا رفتند، و در سال۱۴۳۰م به فتح آلبانی وسلونیکا وبه سال۱۴۳۹م به تصرف صربستان دست یازیدند، ومتعاقب آن در سال۱۴۵۳م به فتح عظیم قسطنطنیه پایتخت امپراتوری روم شرقی پرداختند وقهرمان این نمایش بزرگ سلطان محمدفاتح بود.

ودرهمین سال بندر «جالیبولی» به دست مسلمانان افتاد، واین موضوع راه های رسیدن به شبه جزیرهٔ بالکان را آسان ترکرد، وبه این ترتیب درسال۱۴۵۸م فتح جنوب یونان، در سال۱۴۶۳م فتح بوسنی وبر روی هم در سال۱۴۷۵م فتح رومانی نهایی شد.

پیشروی ظفرمندانهٔ ارتش عثمانی تابه شهر«ویانا» تداوم یافت و در۱۲سپتمبر۱۶۸۳م این شهر به محاصره کشیده شد، اما فتح آن به علت این که زمینه های غروب ستارهٔ امپراتوری عثمانی آرام آرام فراهم می شد، انجام نیافت. مردمان بوسنی، پیش از ورود سپاهیان ترکی تبار مسلمان به این سرزمین به آیین نصرانیت تدین می ورزیدند ودارای دولت وپادشاه بودند.

بوسنی ها دوستداران اسلام

مسلمانان بوسنی وهرزگوین اعم از زن ومرد، عالم ونادان به دین داری ودوستی بااسلام شهرت دارند، ومحبت سایرمسلمانان واعتقاد براین که(إنما المؤمنون إخوه) "مسلمان برادر مسلمان است" باگوشت وپوست شان عجین شده است، چنان که آنان به سلامتی عقاید وحفظ عادات وتقالید اسلامی نیز معروف می باشند. آقای قرمانی در مورد بوسنی ها می گوید: «مردمان بوسنی از رهگذر اخلاق بهترین مردمند».

مسلمانان بوسنی مانند همسایگان خود؛ صرب ها وکروات ها به زبانی نزدیک به روسی سخن می زنند، و در زبان مسلمانان این دیار واژه ها وجملات زیادی از ترکی وتازی وارد شده است. بوسنی ها دوگونه می نویسند: یکی به حروف لاتینی ودیگری به حروف یونانی قدیم. ومسلمانان کتابت مخصوص به حروف عربی دارند واصطلاحاتی اسلامی برای خود وضع کرده اند که بازبان اصلی شان همخوانی دارد.

بوسنی ها به صورت عمومی وهمگانی پیرومذهب امام ابوحنیفه- رضی الله عنه- هستند. وآنان علی رغم فاصلهٔ شان از زبان تازی ودشواری هایی که در راستای فراگیری آن وجود دارد، وبرمخارج حروف آن نیز آشنایی چندانی ندارند، کودکان آنها در حفظ قرآن کریم ونصوص دینی از خودشایستگی های خوبی تبارز می دهند.

این بار کشمکش به سر فاریاب...

در مورد اسماعیل خان در غرب کشور این برنامه از مدتها قبل آغاز گردیده است و دامنهٔ این کار سرانجام به کشته شدن وزیر هوانوردی دولت آقای کرزی و پسر اسماعیل خان منجر شد. دولت به بهانهٔ تأمین نظم تعدادی نیروی نظامی به این ولایت فرستاد و اینک برنامهٔ بعدی ظاهرا در فاریاب عملی می شود. به دنبال درگیری های شدید سرانجام نیرو های دولتی به فاریاب یعنی بزرگترین ولایت سمت شمال کشور از نظر نفوس فرستاده شدند تا میان طرفین متخاصم به تأمین امنیت بپردازند.

در هردو جریان — هم در هرات و هم در فاریاب- یکی از طرفین به بی اطاعتی از اوامر دولت مرکزی متهم گردید اما در هردو مورد نیروهای ائتلاف بین المللی به رهبری ایالات متحدهٔ امریکا با بیطرفی کامل شاهد اوضاع بودند. نتیجهٔ تحقیقات دولتی در هردو مورد در پردهٔ ابهام پنهان است که خود موجب خلق سوالاتی بسیار در اذهان گردیده است.

در گذشته در مواردی - اگر مشخص تر بگوییم در رابطه به درگیری ها میان دوستم و جنرال عطا محمد- از زبان افراد وابسته به ائتلاف سخنانی تهدید آمیز شنیده شده بود و حتی این احتمال وجود داشت که اگر طرفین درگیر از کشمکش دست نکشند نیروهای حافظ صلح بین المللی مستقر در افغانستان شاید دست به اقدام بزنند در حالی که در این مورد کار معکوس شد. این بار جنرال دوستم بود که تهدید کرد و به صراحت گفت که از تهدیدات هوایی هراسی ندارد. چنین موضعگیری بیش از این که نشان از تهور باشد نمایانگر اطمینان از ناتوانی جانب مقابل است.

چنین به نظر می رسد که نیرو های ائتلاف و در رأس ایالات متحدهٔ امریکا با تشدید درگیری ها در عراق در موقعیت بسیار دشواری در آن کشور قرار گرفته اند و نمی خواهند با دست زدن به یک عمل حساب ناشده در افغانستان، آنهم برعلیه کسانی که تا کنون از جانبداران ائتلاف به شمار آمده اند، برای

این بار ژنرال دوستم بود که تهدید کرد و به صراحت گفت که از تهدیدات هوایی هراسی ندارد. چنین موضعگیری بیش از این که نشان از تهور باشد نمایانگر اطمینان از ناتوانی جانب مقابل است.

خود مشکل تازه یی خلق کنند. افغانستان کشوری است که امنیت آن برای امریکا و بخصوص حزب جمهوری خواه و شخص جورج بوش از اهمیت ویژه برخوردار است به حدی که می توان گفت آیندهٔ سیاسی آنان به ثبات در افغانستان وابسته است. اگر در این کشور ناامنیی ایجاد شود که امریکایی ها مسؤول آن باشند در این صورت تمام سیاست نظامی امریکا در منطقه و جهان زیر سوال می رود.

امریکا سعی خواهد کرد تا فرارسیدن موعد انتخابات ریاست جمهوری در آن کشور از دست زدن به هر نوع عملیات نظامی علیه آنانی که خود آنها را جنگ سالار و عامل ناامنی می خواند خودداری ورزد و از بی ثبات ساختن اوضاع خودداری نماید و این برنامه را به فرصتی مناسب تر موکول سازد. دولت آقای کرزی نیز فاقد نیروی لازم برای دست زدن به یک عمل مستقلانه است. بنا براین یگانه راه برای آقای کرزی این خواهد بود که به سیاست تفرقه افگنی میان فرماندهان قدرتمند و افراد رده های پائین تر تحت فرمان آنان ادامه دهد و به این ترتیب امیدوار باشد که شاید یکی از این تیر ها به هدف اصابت کند و قدرتمندی از اریکهٔ قدرت به زیر افتد.

در حالی که آقای کرزی به این کار اولویت می دهد، هر زمانی که چنین جریاناتی رخ می دهد، دو نیروی عمدهٔ ائتلاف یعنی امریکا و انگلیس سعی می نمایند که طرفین درگیر را متقاعد سازند تا آرامش خود را حفظ کنند و در این میان این آقای کرزی است که از جانب طرفین درگیر، آماج انتقادات تند قرار می گیرد. آقای کرزی که از بس مورد انتقاد قرار گرفته دیگر در برابر انتقاد کاملا معافیت حاصل نموده و حتی زحمت جواب به انتقادات را نیز به خود نمی دهد.

اطرافیان آقای کرزی متهم اند که طالبان ریش کل و نکتایی دار اند و این سخنان را نمایندهٔ آقای دوستم در مصاحبه با رسانه های خبری نیز بر زبان آورد و این در حالی است که آقای خلیل زاد پاکستان را به خاطر اغماض در برابر طالبان مورد انتقاد قرار داد و عکس العمل مخالف را در دولتمردان پاکستان برانگیخت.

من نمیدانم که آن طالبان نکتایی دار که ریش خود را می تراشند چه کسانی اند که در کنار آقای کرزی قرار دارند اما در شرایطی که جنگ بر ضد القاعده و طالبان ظاهرا ابعادی وسیع بخود گرفته است شنیدن این گونه سخنان انسان را بیاد داستانی از باب چهارم گلستان سعدی می اندازد که:

منجمی به خانه در آمد و مرد بیگانه را دید که با زن او بهم نشسته دشنام و سقط گفت و فتنه و آشوب خاست. صاحبدلی که برین واقف بود گفت:

بر اوج فلک چه دانی چیست
که ندانی که در سرایت کیست

اما در شرایط فعلی وضع طوری است که هر کسی اتهام بستن به رقبا را راهی برای برائت و توجیه اعمال خود یافته است که البته از نظر ما تمسک مشروعی نیست. و در مقابل از دولت و جناب آقای کرزی نیز انتظار این است که رشته های مودت را در آتش معاندت نسوزند و از دو بهم اندازی ها بپرهیزند تا از فرصتی که این ملت پس از سالها جنگ به دست آورده است استفاده یی در حد مطلوب صورت گیرد. نه زمان در انتظار ما خواهد ماند و نه جهان در انتظار بخود آمدن ما صبر بیش از این تواند کرد.

بقیه نامهٔ وارده

حقیقت باید گفت

۳- در مورد این طرح محکومین ومتهمین که «درمیان ماکسی که پولدار باشد دیده نمی شود زیرا باپول می توان گناه کار را بی گناه ثابت کرد وهر بی گناه بی پول گناه کار است» به پاسخ این متن درشت این قدر بعرض می رسانم که«چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است» دوسیه های نسبتی متهمین ومحکومین در محاکم موجود خواهد بود. از مطالعهٔ آن برداشت خواهند نمود. ومحاکم معلومات لازم را در صورت لزوم ارائه خواهند نمود.

۴- در مورد نثار احمد که به اتهام قتل، خود را تحت بازداشت واتمود قرار داشته واتهام را بی اساس جلوه داده است باید گفت که دوسیهٔ نسبتی متهم مذکور تکمیل وقبلاً به محاکم جهت انفصال شرعی احاله گردیده است. محکمهٔ ابتدائیه مذکور را قرار فیصلهٔ (۸۰) ۱۳۸۱/۸/۹هـ از ابتدائی توقیفی به مدت ده سال حبس تنفیذی ومحکمهٔ مرافعه قرار فیصلهٔ(۴۴) ۸۱/۹/۲۵هـ به مدت(۱۰) ده سال تأییداً و دیوان جزا ستره محکمه قرار فیصلهٔ(۱۵۹) ۸۲/۳/۲۴هـ به مدت شش سال حبس تنفیذی محکوم به جزا نموده که قضیهٔ نسبتی قطعیت حاصل نموده است ودر حال سپری نمودن حبس خویش می باشد. هرگاه نویسندهٔ محترم در مورد تردد داشته باشند می توانند در نقش وکیل مدافع محکوم به ستره محکمه مراجعه فرموده در صورت داشتن دلایل به میل محکوم شورای عالی ستره محکمه تجدید نظر خواهند کرد وهمچنان یاد آور شده که سارنوال ما را در زندان همراهی نکرد آن را از هراس وظلم سارنوال که زنده برنخواهد گشت دانسته اند به پاسخ شان این قدر می گویم که اولاً سارنوال باهیأت محترم یک جا بوده وجهت این که هیأت آزادانه بامتهمین ومحکومین صحبت به عمل آروده باشند سارنوال در دفتر مدیریت عمومی محبس نشست. وهیأت محترم غرض معاینه وصحبت داخل گردید اگر به سارنوال در داخل محبس ضرورت احساس می گردید همزمان سارنوال را مطالبه می نمودند. این به مفهوم هراس از متهمین نبوده اشتباه محض ایشان است وبرداشت ناسالم نویسندهٔ محترم. دو روز بعد تر از هیأت محترم ستره محکمه هیأت باصلاحیت مقام عالی لوی سارنوالی که در قندهار تشریف داشتند باسارنوال ولایت از محبس عمومی دیدن به عمل آوردند که در رأس هیأت محترم سارنپوه سیدمعصوم محمودی ورئیس استئناف مرکزی محترم سارنپوه الحاج سیداجان شینواری رئیس عمومی تحقیق جرایم، محترم بسم الله حمید ومحترم محمد داوود همراهان شان بودند. حین احوال پرسی از محبوسین، محبوسین نه تنها از اجرآات سارنوالی به هیأت محترم شکایت ننموده بلکه از اجرآات قانون سارنوالان طبق قانون ورعایهٔ حقوق بشر قدردانی به عمل آورده ودست های سارنوال مرافعه را بوسه می نمودند. اگر هراسی وجود می داشت نزد هیأت سارنوالی شاکی می شدند.

۵- در مورد دونفر محبوسین زنانه وسیزده نفر متهمین از عدم تطبیق فرمان یاد آوری صورت گرفته است. به هیأت محترم قابل تذکر می دانیم که نص تطبیق فرمان تحت ریاست محاکم بوده دیگر ادارات عضو آن تصریح یافته وهمزمان به وصول فرمان اقدام واجرآات به عمل آمده اگر تشویش داشته باشند از رئیس معلومات به عمل آرند.

۶- در مورد زنان تحت نظارت ومحبوسین نام برده اند اگر نویسندهٔ محترم در مسلک وارد می بود ویا از سواد بهره می داشت ویک نویسنده واقعیت های عینی را بایست بی طرفانه انعکاس دهند نه این که خود را باچند جملاتی که جلب توجه خوانندگان جذب کند وتشویش به ادارات خلق کند بلکه لازم بود از دفتر مدیریت محبس، از سارنوالی ومحاکم آن ولا باشهرت مکمل شان طالب معلومات می شدند. اکنون نیز حاضریم باتوضیح شهرت شان ومسؤولیتی که یک هیأت باوظیفه که دارد توضیح وبه قناعت شان پرداخته شود در غیر متأسفیم باچنین اجرآات؟؟

۷- در مورد یک زن که به اتهام زنا به قول نویسندهٔ محترم تحت بازداشت بوده ویاد آورشده «هرباری که ما را برای بازجویی برده اند بامن زنا صورت گرفته است که ثمرهٔ آن دوطفل است که هردو در زندان به دنیا آمده است»

در مورد زن باسمی مینا که مدت ها قبل سارنوال سلب آزادی عبدالظاهر که حین نظارت از محلات سلب آزادی از مذکوره طالب معلومات گردیده توضیح داشته که اصلاً از حوالی کابل زمینم ویک طالب مرا به کندهار آورده وبه یک نفر به نام بورمحمد نکاح کرد که از آن چهار طفل قبلاً داشته و دو طفل دوگانگی در مرستون به دنیا آورده مختصر جریان مینا نامه چنین است که باشوهرش ناسازگار شده وقوماندانی امنیه مذکوره را جای بود وباش دیگری نداشته واقاربش در آن ولا نبوده وبه میل خویش زندان را غنیمت دانسته ومحافظت می گردید متصل به راپور از طریق سارنوالی ولایت رسماً به قوماندانی امنیه اطلاع گردید که جای بودوباش بی سرپرستان مرستون است نه قومندانی ویا محلات سلب آزادی دولتی همان بود که مینا نامه را از محبس به مرستون فرستادند وتقریباً بیشتر از دوماه است که از مرستون نیز خارج گردیده وبااطفال خویش هرجایی که بود وباش ویا اقاربش موجود باشد زندگی می دارد. معلومات نداریم. تعجب این است که نویسندهٔ محترم اجرآات خیالی مدت ها قبل آن هم مسألهٔ فامیلی که بادارهٔ سارنوالی هرگز ربطی ندارد چنین معلومات را به دست آورده اند وظیفه اش چه خواهد بود که بررسی نکردند واز مراجع معلومات نکردند. یقین دارم که روی عقده از هرشخصی ویامرجعی به دست آورده آرزومند هستم که چنین خیالات ونوشته های بدون سند را برملا ودر میز محاکم بانویسندهٔ محترم اعزامی در مقر ستره محکمه بررسی تاثبیت شودکه(تاسیاه روی شودکه هرکه دروغش باشد)امیداست که مقام ستره محکمه نیزعطف توجه فرمایند.

۸- در مورد این متن نویسندهٔ محترم«از سارنوال قندهار دلیل توقیف غیرقانونی این زندانیان را پرسیدیم او گفت که این افراد ضامن حاضر کرده نمی توانند واگر ما آنها را رهاکنیم دیگر نمی توانیم پیدای شان کنیم دلیل که صراحت فرمان رئیس دولت نیز در برابر آن ناتوان است»

نخست طرح مطلب را نویسندهٔ محترم مبهم مطرح ساخته هدف از کدام نوع زندانیان بوده آیا زندانیانی که در متن روی آن بحث نموده بود یا دیگر نوع آن بوده این را می توان کتمان حقیقت دانست.

۹- در مورد این که طفل زن کوچی در زندان جان سپرده اند تااکنون به داخل زندان طفلی که جان سپرده باشد به نظر نرسیده نمی دانیم به استناد کدام راپور وسند زندان باقومندانی امنیهٔ محکمه وسارنوالی این مطلب انعکاس یافته اگر این مطلب هم مانند گفتارهای شفاهی وحکایات بوده باشد در خارج زندان سارنوال رسماً در جریان قرار داده نشده وارگان های کشف در این مورد مکلفیت قانونی خود را دارند. اما در مورد زن کوچی که به اختطاف یک دختر متهم بوده دختر اختطاف شده به فامیل اش سپرده شده وزن کوچی قبلاً به قرار فیصلهٔ نمبر۱۸- ۸۲/۷/۹ محکمهٔ ابتدائیهٔ قندهار به مدت پنج سال حبس تنفیذی محکوم به جزا گردیده است. ودوسیهٔ نسبتی شان تحت صادره ۲۵۹۶- ۸۲/۸/۲۴ به محکمهٔ مرافعهٔ ولایت قندهار ارسال گردیده است.

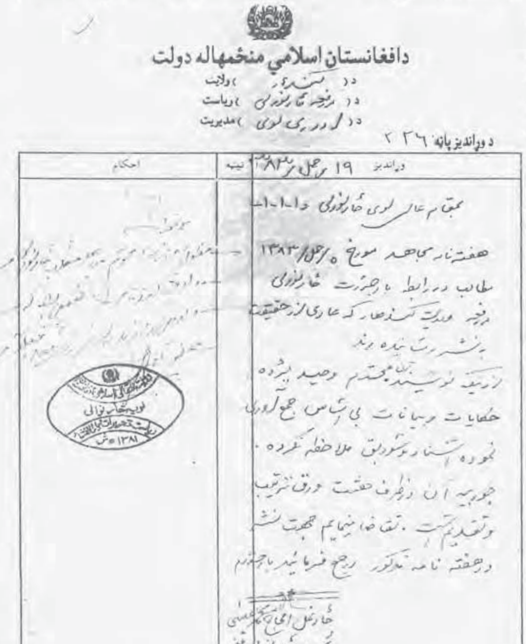
اگر معلومات مزید از او داشته باشید از طریق محکمهٔ مرافعه حل مطلب فرمایید.

۱۰- نویسندهٔ محترم روی این مطلب آخری که به نشر سپرده اید«زندان را با دل پر درد ودست های پر از عرایض زندانیان ترک کردیم» باید گفت ما توفیق شما را در رفع مشکل زندانیان ومشکل مطروحهٔ محترم رئیس صاحب محکمهٔ مرافعهٔ ولایت قندهار از بارگاه ایزد متعال خواهانیم.

با در نظر داشت جریان مفصل که در قید تحریر آمده اند این مثل بی مورد نخواهد بود.

چو کفر از کعبه برخیزد —
کجا ماند مسلمانی

از طرف سارنوالی مرافعهٔ ولایت کندهار



دافغانستان اسلامي منخمهاله دولت

د ( ) ولایت
د ( ) ریاست
د ( ) مدیریت

د وړاندیز پاڼه ۲۳۶

احکام	نیټه ۱۹ حمل ۱۳۸۳ / وړاندیز

دماشومانو قاچاق ...

دشمال مزار شریف په ښارکي هم ترسره کيږي او زيات شمير ماشومان دقاچاق وړونکو لاس ته ورځي او له هيواد نه ايستل کيږي.

دماشومانو دورکيدو په اړه داهم ويل شوي چي ځيني بي مسئوليت وسله وال هم ماشومان دپيسو په خاطر تښتوي او يا داچي دهغو کسانو بچيان غلاکوي چي څه دښمني او بدبيني ورسره لري.

دکوچنيانو دنړيوالي ژغورني Save the children يو خبرخاي وائي دغه دفتر اوس اوس دهغو وزارتو، غير حکومتي موسسو او ادارو سره چي دکوچنيانو په اړوند کار کوي، په ګډه ديوي سروي کار ترلاس لاندي نيولي ترڅو د ورکوشيوو ماشومانو بشپړه شميره معلومه او دهغي په وړاندي دمبارزي لاري چاري ولټوي.

دورکوشويو ماشومانو دمور او پلار له پاره دحکومتي اړوندو مقاماتو او دملګرو ملتو ديونيسيف دسازمان او ياهم دکوچنيانو دنړيوالي ژغورني دسازمان اوسني هلي ځلي دقناعت وړ نه دي، دماشومانو مور او پلار له دغو منابعو څخه خپل بچيان غواړي او داځکه چي دخلکو له پاره دژوند د ډادمن چاپيريال او قانونيت تامين دحکومتي مقاماتو او په خاص ډول دامنيتي موظفينو لومړي درجه دنده ده چي بايد په صداقت او ايمانداري سره ئي سرته ورسوي.

مور دورکوشويو ماشومانو دکورنيو ي، استازيتوب له امنيتي مقاماتو او نړيوالو موسسو څخه هيله کوو چي په دي برخه کي خپلي هڅي او کوښښونه هري لوري وغځوي او دماشومانو دقاچاق وړونکي دغلا، بي رحمي او جنايت لاري بندي کړي ترڅو زموږ ماشومان په ډاډه زړه دښي راتلونکي په هيله ژوند وکړي

مردم باید در برابر تهاجمات ...

این سفر هیچ گونه ارتباطی بامسائل تبلیغات انتخاباتی وی ندارد، او تأکید کرد، هرات در سه عرصهٔ امنیت، بازسازی وجلوگیری از کشت کوکنار پیشتاز بوده است اما متأسفانه مورد بی مهری وتبلیغات سوء واقع شده است. و این که در هرات القاعده وتروریزم نیست، برتری دیگر هرات را نشان می دهد. در بسیاری از مناطق جنگ است، در بسیاری مناطق ناامنی است، القاعده است، کوکنار است ولی صدایی در مورد آن مناطق بلند نمی شود از این جهت من متأسف هستم.

پنجشیر از ولسوالی به ...

بانورم های قانونی مطابقت دارد به ساختارذیل منظور می نمایم:

۱-ولایت درجه سوم پنجشیر به مرکزیت بازارک
۲- ولسوالی درجه اول حصهٔ اول به مرکزیت خینج
۳-ولسوالی درجه دوم رخه به مرکزیت شصت.
۴-ولسوالی درجه دوم عنابه به مرکزیت عنابه.
۵-ولسوالی درجه دوم دره به مرکزیت کرامان.
۶-ولسوالی درجه سوم پریان به مرکزیت نودانک.
۷- ولسوالی درجه سوم شتل به مرکزیت دالان سنگ.

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارۀ چهارم چهارشنبه ۲۶ حمل ۱۳۸۳ ۲۴صفرالمظفر ۱۴۲۵- 14 April 2004

وزیر پلان:

اگر پول های کمک شده به انجوها داده شود فاجعه در افغانستان تکرار خواهد شد

دکتر رمضان بشر دوست وزیر پلان دولت انتقالی اسلامی افغانستان به تاریخ۱۹حمل طی یک کنفرانس خبری گفت: اگر دولت های کمک کننده پول هایی را که تعهد کرده اند، در اختیار انجوها وسازمان های بین المللی قرار دهند تجربۀ تلخ سال های گذشته تکرار خواهد شد.

در سالیان گذشته خصوصاً در دوسال اخیر پولهایی زیاد مصرف شده است اما وجه مصرف آن تا هنوز معلوم نیست.

وی علاوه نمود:

اگر از مبالغی که وعده شده است به صورت درست استفاده شود مشکلات مردم افغانستان تاحدودی حل خواهد شد.



آقای بشر دوست همچنان از تخطی بعضی انجوها از قوانین ومقررات یاد کردو گفت:

این انجوها باید تامدت یک ماه با ما تماس بگیرند در غیر آن، آن عده انجوهایی که از قوانین وزارت پلان تخطی می کنند لغو خواهند شد

آقای بشر دوست همچنان علاوه نمود که پیشرفت وقتی صورت می گیرد که کار به اهل آن سپرده شود. از مطالعۀ سوابق وزارت پلان برمی آید که زنان در این وزارت نقش عمده را ایفا نموده اند ومسؤولیت های کلیدی را به عهده داشته اند. بناءً ما این امر را اعاده خواهیم کرد وگام عملی در این راستا برخواهیم داشت. همچنان آن عده ازکارمندان این وزارت را که دارای سطح تحصیلی پایین هستند ویاکفایت کاری آنها نظر به مقام شان کمتر است، برکنار خواهیم نمود وهرکسی را مطابق ظرفیت او مسؤولیت خواهیم داد.

گزارشگر:ندیم

نه زندانی پاکستان به سفیر آن کشور در کابل تسلیم داده شدند

به فرمان حامد کرزی رئیس دولت انتقالی افغانستان نه نفر از اتباع پاکستان که شماری از آنان به اتهام شرکت در جنگ ها علیه مردم افغانستان و شماری دیگر به اتهام جاسوسی علیه امنیت و منافع ملی افغانستان در این کشور زندانی بودند، مورد عفو قرار گرفته و به سفارت پاکستان تحویل داده شدند.

در محفلی که بدین مناسبت روز دوشنبه گذشته مؤرخ ۲۴ حمل سال جاری در تالار ریاست مخابرۀ امنیت ملی بر گزار شده بود ، سفیر کبیر جمهوری پاکستان مقیم کابل، قاضی القضات ، لوی سارنوال ، معاون ستره محکمه و رئیس سارنوالی امنیت ملی اشتراک ورزیده بودند.

در این محفل آقای رستم شاه مهمند سفیر کبیر پاکستان مقیم کابل سخنانی کوتاه ایراد کرد و وعده داد که در قسمت رهایی زندانیان افغانستان از زندان های پاکستان تلاش خواهد کرد. آقای معنوی معاون ستره محکمه نیز طی صحبتی از سفیر پاکستان خواست تا در مورد رهایی زنداتیان افغانستان در آن کشور توجه جدی نماید. و در اخیر آقای عبدالفتاح رئیس سارنوالی امنیت ملی در پاسخ به سوال یک خبرنگار گفت: به تعداد پنجصد اسیر پاکستانی در زندان های مختلف افغانستان زندانی اند و دوسیه های آنان تحت دوران قانونی قرار دارد.

گزارشگر تقدسی

نه تن از اعضای تیم ملی فتبال افغانستان در ایتالیا ناپدید شدند

قرار بود تیم ملی فوتبال افغانستان برای اولین بار در یک مسابقۀ اروپایی شرکت کنند که این مسابقه بین تیم ملی افغانستان و تیم فتبال شهر ویلو نای ایتالیا انجام می گرفت اما بعد از رسیدن آنها به ایتالیا ، نا پدید شدند.

پولیس ایتالیا می گوید:

" تا به حال معلوم نیست که آیا این نه تن ناپدید شده، می خواهند پناهندگی حاصل کنند یا خیر؟

قرار خبر، این ورزشکاران پاسپورت های خود را با خود ندارند. مربی این گروه آقای علی اصغر اکبرزاده به شبکۀ خبر رسانی ایتالیا اظهار کرده است که از ناپدید شدن این نه تن متأثر می باشد و در صورتی که آنها بر گردند حق شمولیت در مسابقه را نخواهند داشت.

از نامه های آمده

حقیقت باید گفت

[در اعتراض به سفر قندهار]

چنان که در شمارۀ پیشین اشارت رفته بود، ریاست سارنوالی مرافعۀ ولایت کندهار در اعتراض به نوشتۀ آقای مژده "خاطرات سفر قندهار" مطلبی به ادارۀ مجاهد فرستاده بود که به دلیل عدم ثبوت نسبت آن به ریاست سارنوالی مرافعۀ کندهار از چاپ بازماند اکنون آن مطلب به تقاضای سارنمل الحاج محمد عیسی رئیس سارنوالی کندهار و مهر و تأیید وفرمان مقام محترم لوی سارنوالی در این شماره بدون ویراستاری جهت تأکید هر چه بیشتر بر اصل امانتداری به نشر می رسد.

به پاسخ خاطرات سفرقندهار نشریۀ ۵حمل۱۳۸۲هفته نامۀ مجاهد از متن مطالب به نشر رسیده هویدا است که هیأت محترم ستره محکمه عازم ولایت قندهار گردیده بودند. در آنجا از متهمین ومحکومین درمحبس عمومی قندهار بازدید به عمل آورده اند.

هرنوع مطالب که آنها مطرح نموده اند هیأت محترم سامع آن بوده که حتی تبصره ها وحکایات روی مطالب قبلی را نیز حایز ارزش دانسته وآن را انعکاس داده اند باتأسف باید گفت که نویسندۀ محترم صرفا به خاطر جمع اوری شکایات وحکایات شفاهی مؤظف ساحه بوده ویا به خاطر روشن ساختن حقایق و واقعیت هایی که در آن نقض قانونیت صورت گرفته باشد. به نظرم ایجاب می نمود نویسندۀ محترم باشنیدن شکایات وحکایات همزمان بامراجع مسؤول آن اقلاً یک مرتبه در تماس می شدند وبعد از علم آوری دقیق به نشر همچو مطالب می پرداختند که در اجراآت ایشان این اصل رعایت نگردیده است. این عمل عجولانۀ نویسنده بیانگر دو امر است. اول این که نویسندۀ محترم فاقد تجربه در امورات مسلکی بوده که شیوۀ اجراآت لازمه را رعایت نکرده اند دوم این که اگر ایشان حایز تجربۀ مسلکی می بودند آنقدر غرق تخیلات وافکار خود بودند که جزضیاع وقت ومصرف بی مورد توام با ایجاد تشویش به ارگان ها، وبدنامی غیر مدلل چیزی را در قبال نداشته است.

ذیلاً روی هریک ازمطالب به نشررسیدۀ نویسندۀ محترم پرداخته می شود:

۱- در مورد اسامی عبدالولی که خود را محبوس سیاسی وانمود داشته نویسندۀ محترم نخست باید تثبیت می نمود که از طریق کدام مرجع تحت بازداشت قرار گرفته وقضیۀ وی فعلاً در کدام حالت قرار دارد. نامبرده از جملۀ متهمین ریاست سارنوالی مرافعۀ ولایت قندهار نبوده نزد نویسندۀ محترم مرجع رسیدگی آن کدام اداره بوده نزدشان روشن خواهند بود هرگاه هدف از نظارت آن ویا زندانی بودن آن باسایر محکومین ومتهمین جرایم عادی مطرح بوده باشد مدیریت عمومی محبس در مورد توضیحات لازم را ارائه نموده باشد.

۲- در مورد پنج نفر معتادین که از پنج ماه تایکسال وشش ماه در زندان تحت بازداشت به نظر رسیده اند واقعیت است وما هم آن را تأیید می داریم. اما دوسیه های نسبتی آنها در میعاد قانونی به آن ها مطالبۀ مجازات نموده دوسیه ها باصورت دعوی سارنوالی که حداعظمی مطالبۀ مجازات ایشان تاچهار ماه بوده ودر معیاد معینۀ قانونی به منظور انفصال شرعی به محکمۀ مربوط ذیصلاح محول شده است. که متأسفانه باگذشت مدت زیادی که در محاکم آن ولا بی سرنوشتند ودوسیه های نسبتی شان بدون تصمیم قضائی نزد محاکم اند می بایست از محاکم مربوط طالب معلومات می گردند. هرگاه نویسندۀ محترم اعزامی بدین شیوه بررسی اش باشد وسرنوشت بعدی متهمین بعد از احالۀ اوراق به محکمه تعلق می گیرد می توانستند اند از محاکم استفسار به عمل می آمد. باتأسف که چنین نشده است. اما در مورد این که اعتیاد جرم است یا مریضی؟ با این که قوانین صراحت دارد مفسر قوانین ستره محکمه می باشد. نویسندۀ محترم افاقی از خود سوال کنند...

ص۷